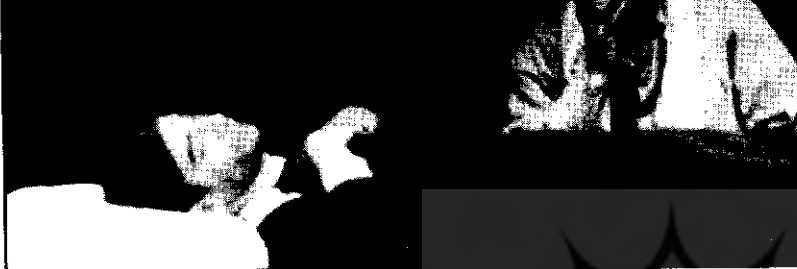


تئاتر بسیج

بسیج تئاتری

کفتو کو باسید جواد هاشمی - بازیگر سینما و تئاتر

سید جواد روشن



می‌داد و شاگردان موفق داشت و یا علی سلیمانی هم‌اینک هم در اینجا درس می‌دهد یا آقای راسخ زاد و ... ما استادها خوبی در اینجا داشتیم که خوب کار کرده‌اند و تأثیرگذار هم بوده‌اند. استادهایی شایسته و جوان. حضور خانمها در این بخش به چه صورت است؟

خانمها هم تا حدودی فعال هستند ولی چون خود من گرفتار هستم خیلی به آن بخش رسیدگی نمی‌کنم و شاید به همین خاطر هم آن بخش زیاد رشد نکرده است.

ولی به هر حال، روزهای زوج در طول سال، به خانمها اختصاص دارد و در تابستان هم صبحها دختر خانمها و بعد از ظهر آقا پسرها از این مکان استفاده می‌کنند. همین بچه‌هایی که در حال حاضر توی زمین فوتبال بازی می‌کنند یا عضو کانون سرود هستند یا تئاتر، این دو رشته بیشتر فعال است.

پس فعالیت کانون نمایش اینجا مستمر است، در طول سال هم فعالیت دارید؟

بله. به نظر می‌آید کانون حر فقط محلی برای آموزش یک حرفه و هنر نیست. ما در اینجا شاهد رگه‌های مذهبی و یک نگاه تربیتی هم هستیم، در این خصوص لطفاً صحبت بفرمایید.

ما در اینجا مریانمان را از دو وجه انتخاب می‌کنیم. اول آنکه توانایی انتقال تجربیات از بعد اخلاقی را داشته باشند، یعنی اگر این خصوصیت را نداشته باشند، اصلاً به عنوان مربی انتخاب نمی‌شوند. در اینجا من برای انتخاب مربی آن هم برای نوجوانان خیلی حساس هستم و دقت می‌کنم. آنها افرادی

آیا کارهایی هم اینجا اجرا شده یا می‌شود؟ گاهی اوقات ما اینجا اجرا هم داریم ولی از آنجایی که سالن در اختیار گروههای بازیگری و در حال آموزش است سعی شده کمتر در اینجا اجرا داشته باشیم. همین طور که حتماً توجه کرده‌اید در این حوالی منزل مسکونی زیاد نیست و همین مسئله باعث می‌شود استقبال هم برای دیدن نمایش زیاد نباشد. البته ما صبحها در اینجا برای مدارس اجرا داریم ولی به گروههای آزاد اجازه اجرا نمی‌دهیم. این سالن در اختیار جوانها و نوجوانهایی است که عضو کانون هستند.

استقبال برای حضور در بخش هنرهای نمایشی چگونه است؟

بسیار خوب است ما حتی چون ظرفیتمان تکمیل است امکان ثبت‌نام بسیاری از علاقه‌مندان را نداریم. ما اینجا شاگردهایی داریم که از راههای دور مثل کرج یا ملایر می‌آیند. اینجا برای آنها بازه امید است برای راه پیدا کردن به عرصه تصویر، چون خود آنها شاهد حضور افرادی بودند که در اینجا آموزش دیده‌اند و در حال حاضر در تلویزیون یا حتی در سینما و تئاتر شهر بازی می‌کنند. افرادی مثل محمدصادق ملکی که در جشنواره تئاتر فجر کاندید هم بود در اینجا رشد کرد و خیلی افراد دیگر. به نظر من امور نمایشی اینجا خیلی موفق بوده است.

دلیل این موفقیت را چه می‌دانید؟ شاید تا حدودی ماندن خود من باعث شده و همین طور استفاده از افرادی که روزی خودشان در اینجا شاگرد بوده‌اند و امروز استاد شده‌اند مثل مهرداد رایانی مخصوص. او قبل از اینکه استاد دانشگاه شود در همین جا درس

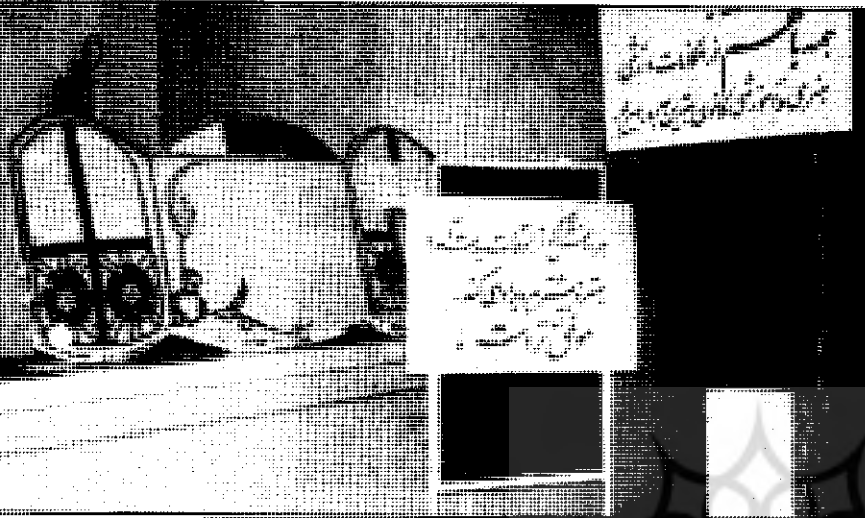
کانون فرهنگی تربیتی حر از جمله کانونهای فعالی است که نیروهای خوبی در زمینه‌های مختلف هنری تربیت کرده است و جوانان شایسته‌ای در حوزه تئاتر، کارشان را از آنجا آغاز کرده‌اند. کانون حر قبل از انقلاب، کاخ جوانان بوده است و هم‌اینک زیر نظر منطقه ۱۱ آموزش و پرورش فعالیت می‌کند.

این کانون که در میدان راه‌آهن واقع است و جوانان و نوجوانان زیادی را به خود جذب کرده است دارای سه واحد است. واحد فرهنگی هنری، واحد اجتماعی ورزشی و واحد علمی ادبی. هر واحد دارای انجمنهایی است؛ مثل انجمن هنرمندان و هر انجمن نیز از چند گروه تشکیل شده است مثل گروه نمایش.

سید جواد هاشمی مسئول گروه نمایشی و موسیقی کانون حر است که سالهاست در آنجا فعالیت می‌کند. او بیش از هر چیز خود را معلم می‌داند و برای او تئاتر بهانه‌ای است برای تربیت انسان. گفتوگویی که در پیش است مدتی پیش انجام شده که متأسفانه تا امروز فرصت چاپ نیافت. شاید اجرای نمایش «زخم مدینه» در تالار وحدت به کارگردانی سید جواد هاشمی بهانه‌ای باشد برای این بحث.

در میان نوشته‌های مختلفی که در آنجا به چشم می‌خورد این یکی نظرم را جلب کرد: «کانون حر تنها محل سپری کردن اوقات فراغت نیست بلکه محل رشد، ترقی و شکوفایی استعدادهاست.»

و ای کاش مسئولان آموزش و پرورش منطقه ۱۱ همتی کرده و کمی هم خرج آلفی تئاتر در حال تخریب آنجا کنند؛ سائلی که مسلماً هنرمندان شایسته‌ای را به خود دیده است.



که البته شاید فعالیتهای هنری آنها به این شکل منسجم نباشد. شاید شما باور نکنید ولی ما به هیچ یک از مربیانمان حقوق پرداخت نمی‌کنیم و همگی مجانی کار می‌کنند و حتی گاهی از جیبشان هم برای بچه‌ها خرج می‌کنند! چون خودشان در اینجا پرورش پیدا کرده‌اند به نوعی احساس دین می‌کنند و وقت می‌گذارند چون آموزش و پرورش اصلاً پول ندارد که پرداخت کند! اگر شما کانونهای دیگری را نمی‌بینید که این گونه منسجم فعالیت هنری کنند، دلیلش این است که آموزش و پرورش برای پرداخت حقوق فعالیتهای فوق برنامه دچار مشکل است. مربی سرود ما مربی برگزیده کشور در مقطع راهنمایی است، اما در اینجا درس می‌دهد. آموزش پیانوی آقای حقی که از آهنگسازان خوب سازمان صدا و سیما است در اینجا برای بچه‌ها رایگان است. ما مختصری شهریه می‌گیریم برای اینکه فقط پول آب و برق اینجا تأمین شود.

آیا خود شما حقوق می‌گیرید؟

بله چون رسمی آموزش و پرورش هستم حقوق می‌گیرم.

نگاه شما به تئاتر در مدارس چگونه است؟

تئاتر در مدارس تعطیل شده. سال ۶۳ من مسئول هنری آموزش و پرورش، منطقه ۱۱ بودم. منطقه ۱۱ اولین جشنواره تئاتر آموزش و پرورش را راه انداخت یعنی ۲۱ سال پیش و ما اولین جشنواره را در همین کانون برگزار کردیم. بعد از آن من جذب اداره آموزش و پرورش تهران شدم و به من گفتند هر کاری می‌توانی در استان انجام بده. البته من در آنجا مسئول سرود و آقای مسلم قاسمی نیز مسئول هنری اداره آموزش و پرورش استان تهران بود. ما برای اولین بار دو جشنواره را در سطح استان در سال ۶۵ برگزار کردیم. یعنی دو سال بعد از اولین جشنواره در منطقه ۱۱ و بعد از سال ۶۵ جشنواره‌ها ادامه داشت تا اینکه ما به قول فوتبالیستها کفشهایمان را آویزان کردیم و من وارد عرصه دانشگاه شدم. یعنی از سال ۶۹ که رسماً دانشجو شدم دیگر هیچ مسئولیتی را قبول نکردم و تنها در همین کانون حر حضور داشتم. بعد از آن، به تدریج جشنواره‌های امور تربیتی دچار اختلال شد و در حال حاضر هم مدارس فاقد تئاتر به صورت جشنواره‌ای هستند و وقتی جشنواره نباشد دانش‌آموزان انگیزه‌ای برای کار کردن تئاتر در مدرسه نخواهند داشت. آن زمان رقابت بهترین انگیزه برای بچه‌ها بود. بچه‌ها

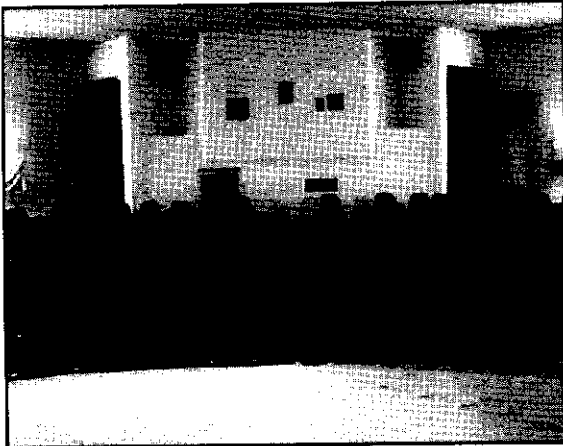
هستند مذهبی که نه خشک هستند و نه خدای ناکرده متحجر. رفتار بسیار خوب و زیبایی با بچه‌ها دارند. مربی موسیقی ما با بچه‌ها فوتبال بازی می‌کند، مربیان با بچه‌ها به اردو، سفر و کوه می‌روند و در واقع با آنها زندگی می‌کنند. اینجا مدرسه نیست. شما در اینجا دانشجویانی را می‌بینید که از کلاس سوم دبستان در اینجا بوده‌اند و الان عضو گروه سرود بزرگسالان ما هستند. اینجا مثل خانواده‌ای است که افراد نمی‌توانند یکدیگر را ترک کنند و با هم رشد می‌کنند. ضمن اینکه ما در اینجا برای گروه تئاتر و سرود سالی دو بار اردوی زیارتی مشهد را می‌گذاریم تا کمربند معنوی بچه‌ها حفظ شود و بچه‌ها بسیار به این اردوها علاقه‌مندند. افرادی که در اینجا دوره می‌بینند اکثراً مذهبی و فرهنگی بار می‌آیند و حتی گاهی بر خانواده‌هاشان نیز اثر می‌گذارند و من این را ناشی از تأثیر مربیها به صورت مستقیم و غیر مستقیم بر بچه‌ها می‌دانم.

چرا ما شاهد چنین کانونهایی در دیگر مناطق آموزش و پرورش نیستیم؟

این طور نیست. ما در تهران و در شهرهای دیگر کانونهای زیادی داریم

برای آشنای مردم با سالن‌های تئاتر باید تئاتر مردمی شود.

ما در کانون حر فقط بازیگر شدن را آموزش نمی‌دهیم. تعهد بر تخصص اولویت دارد.



گروه: احمد بیگلار

این گروه یک گروه دائمی در کانون حر است که یازده سال است نمایش اجرا می‌کند و هر سال در ماه مبارک رمضان به صورت یک نذر در حوزه هنری اجرا داریم که البته امسال چهارمین سال اجرای آن است. یازده سال از تشکیل این گروه می‌گذرد و یک گروه مستقل و منسجمی است که در همین کانون پرورش پیدا کرده است و فقط سالی یک بار جمع می‌شوند و در بین آنها همه طیفی اعم از معلم، مربی، بازیگر حرفه‌ای و... وجود دارد. ما در اینجا کارگاه بازیگری داریم که در آن فقط تئاتر آموزش داده می‌شود.

شما برای واژه تئاتر انقلابی چه مفهومی قائل هستید؟ به نظر شما تئاتر انقلابی چه تاتری است؟

من بعضی وقتها از جشنواره‌ها به خاطر ایجاد انگیزه به نیکی یاد می‌کنم ولی خیلی وقتها هم می‌گویم این جشنواره‌ها لگد می‌زنند به بخت تئاتر کشور. مثلاً در جشنواره تئاتر انقلاب یا دفاع مقدس یک‌سری از گروه‌های منسجم تئاتری کارهای مختلف انجام می‌دهند که در واقع به صورت سفارشی کار می‌کنند. حالا شاید هدفشان عشقی باشد که به تئاتر دارند و این جشنواره برای آنها فقط یک بهانه باشد برای جمع شدن و کار کردن اما در آخر ما از آنها شاهد کارهایی هستیم که از لحاظ فکری، محتوا و گاه تکنیکی ضعیف و کم‌بینه است که دلیل آن نیز عجله‌ای است که در کار جشنواره‌ای وجود دارد و در نهایت هم دو اجرا در جشنواره دارند و تمام. حتی به نظر من تفکیک موضوعی برای تئاتر اگر چه حسن دارد ولی عیب هم دارد. حسن آن این است که یک‌سری از ارزشها و دست‌آوردهای انقلاب به هر حال فراموش نمی‌شود و بالاخره از طریق تئاتر تا حدودی در آن زمینه فرهنگ‌سازی شود و این خوب است ولی چون منحصرأ دولتی است ما در آن دچار شکست می‌شویم. اگر تئاتر انقلاب دولتی نباشد، یعنی از دل بر آید لاجرم بر دل هم خواهد نشست و تا زمانی که تئاتر انقلاب دولتی باشد رشد کمی و کیفی نخواهد کرد.

نظر شما درباره انجمن تئاتر انقلاب و دفاع مقدس و فعالیتهای آن چیست؟

به هر حال آب باریکه‌ای است که باید باشد ولی من یک بحث زیربنایی دارم. من معتقد هستم تئاتر ما باید زبردست وزارت ارشاد و مرکز هنرهای نمایشی باشد. هیچ نهادی حق ندارد جشنواره تئاتر بگذارد و تئاتر را برای خودش مصادره کند بلکه فقط می‌تواند از آن حمایت کند. به نظر من جشنواره تئاتر دفاع مقدس را باید ارشاد برگزار کند و انجمن تئاتر انقلاب، دفاع مقدس، یا هر نهاد دیگری از آن حمایت کند و یا به صورت بازوان اجرایی وزارت ارشاد باشد. بدین ترتیب اگر همه کارها از طریق ارشاد صورت بگیرد کانالیزه می‌شود ولی با کمال تأسف باید بگویم در اینجا وزارت گوشت هم جشنواره تئاتر برگزار می‌کند یعنی هر سازمان و وزارتخانه‌ای برای خودش جشنواره دارد؛ سپاه، بسیج، ارتش و... شما ببینید ما در سال چند جشنواره داریم و همه دارای کمیت بدون کیفیت. باید همه اینها را بسپاریم به یک مرجع، تا همه

در مراحل مدرسه‌ای، منطقه‌ای، استانی و کشوری حضور پیدا می‌کردند. ما حدود شش هزار گروه نمایشی در مدارس داشتیم و این حرکت و شور و اشتیاق در آموزش و پرورش بسیار ستودنی بود؛ ولی از وقتی گروه‌های تئاتر و سرود در سطح نوجوان و جوان در آموزش و پرورش تعطیل شد ما دیگر شاهد آن جوش و خروش نیستیم. ما حتی در سطح کانونها در کشور جشنواره داشتیم تا بچه‌ها انگیزه لازم برای رقابت را داشته باشند. ولی متأسفانه همه اینها تعطیل شد و در حال حاضر فقط جشنواره‌های بی‌رغمی برگزار می‌شود که گاهی بسیج یا سازمان دانش‌آموزی برگزار می‌کند.

یعنی در حال حاضر جشنواره تئاتر مدارس وجود ندارد؟ به صورت منسجم و تشکیلاتی خیر. به چه علتی این جشنواره تعطیل شد؟

حتماً بودجه نبوده. اوضاع ظاهراً روزبه‌روز هم بدتر می‌شود. ما هر چه می‌خواهیم بیشتر فرهنگ‌سازی کنیم کمتر امکان آن فراهم می‌شود. نمی‌دانم بودجه فرهنگی این مملکت کجا خرج می‌شود ولی مطمئن هستم همه چیز در آموزش و پرورش اتفاق می‌افتد. تربیت و پرورش روح و جسم ریشه در آموزش و پرورش دارد ولی متأسفانه آن را جدی نمی‌گیریم و تأثیر آن را در سطح کلان در کشور شاهد هستیم، در تربیت بدنی، در هنر و... ما در همه رشته‌های هنری از قبیل طراحی، نقاشی، خطاطی، ساخت فیلم و... در آموزش و پرورش شاهد یک پتانسیل غنی و قوی بودیم که به صورت ریشه‌ای کار می‌کردند ولی همه آنها تعطیل شد. البته در ظاهر و به صورت اسمی وجود دارد ولی بی‌رغمی و بی‌پشتوانه برگزار می‌شود. در صورتی که ما در سال ۶۷-۶۶ در همین منطقه ۱۱، پانزده مدرسه داشتیم که طی آن ۱۲۰ گروه تئاتر در جشنواره شرکت کرده بودند. جشنواره ما ده روز طول می‌کشید و هر روز در این سالن اجرا داشتیم. ولی در حال حاضر شاید از هر منطقه فقط چهار گروه شرکت می‌کنند. دیگر کسی این جشنواره را جدی نمی‌گیرد و رقابتی وجود ندارد.

فعالیت بچه‌ها در اینجا به چه شکل است؟ آیا تحت عنوان یک گروه خاص مثلاً گروه نمایش کانون حر فعالیت می‌کنند؟

ما اینجا فقط یک گروه پنجاه شخصت نفری تئاتر داریم که تحت عنوان «یتیمان کوفه» سالی یک بار دور هم جمع می‌شوند و نمایش اجرا می‌کنند.

ابزار در اختیار آنهاست که تخصصشان اجرای تئاتر نیست

مردم دوست دارند مسائل و حرفه‌های خودشان را در تئاتر بشنوند

کانون هنر

تئاتر را دوست دارند به شرطی که حرفهای غیر قابل فهم روشنفکری در آن نشنوند.

به نظر می‌رسد شما در اینجا بستر لازم را دارید؛ یعنی یک محیط فرهنگی مذهبی که با استفاده از مربیان کارآموده سعی در انتقال تجربیات و پرورش استعداد های نسل نوجوان و جوان دارید. حال این احتمال وجود دارد که در بین این بچه‌ها افرادی باشند که بتوانند صاحب قلم و ایده بشوند و چیزی را بنویسند که از جنس مردم باشد، چرا این کانون محلی برای تولید این آثار نشود، چرا فقط بازیگری را آموزش می‌دهید؟

وقتی این بچه‌ها از نظر فنی به شرایط ایده آل برسند خودشان شروع به نوشتن می‌کنند. من افتخار می‌کنم که در حال حاضر اکثر مسئولان هنری و مربیان شاغل در مناطق بیست‌گانه از این کانون رشد کرده‌اند. بچه‌های کانون حر در مناطق مختلف پراکنده و منتشر شده‌اند و در بین آنها نویسنده، کارگردان، بازیگر و... وجود دارد و همین حضور است که شما را به اینجا آورده است یعنی به کانون حر آورده نه برای جواد هاشمی و خدا را شاکرم که این اتفاق افتاده است. شما در پشت خیلی از نوارهای سرود نام کانون حر را می‌بینید و من فکر می‌کنم ما در حد توان کارمان را انجام داده‌ایم. ما در اینجا فقط بازیگر شدن را آموزش نمی‌دهیم، ما هدفمان فقط تربیت بازیگران درجه اول تئاتر و سینما نیست. من یک معلم هستم و تئاتر برای من بهانه‌ای است برای تربیت انسان و نیروهای فرهنگی. ما قصدمان نویسنده تربیت کردن، کارگردان تربیت کردن و...

نیست حتی قرار نیست ما آنها را مذهبی بار بیاوریم. تا حالا به هیچ کدام نگفتم برو نماز بخوان، بلکه هنگام اذان خودم برای خواندن نماز به نمازخانه رفته‌ام. در واقع منش مربیان در بچه‌ها تأثیر می‌گذارد و ما برخورد مستقیم نمی‌کنیم. هدف نهایی تربیت نیروهای فقط متخصص نیست، ولی خوشحال می‌شویم نیروهایی متخصص و خوب تربیت کنیم. مربیان متخصص تئاتر زیاد داریم؛ ولی ما به دنبال مربیان متعدد و متخصص هستیم و تعهد بر تخصص اولویت دارد. هدف ما تربیت بچه‌مسلمانهای فرهنگی است. در ماه مبارک رمضان اینجا دیدن دارد، پول جمع می‌کنیم و همین جا سفره می‌اندازیم و همه با هم افطار می‌کنیم و خرما گران‌ترین ترزین آن سفره است! از بچه‌های راهنمای هر کسی بتواند همه روزه‌هایش را بگیرد، برای اردوی مشهد بیشترین تخفیف را برای او قائل می‌شویم و حرف بچه‌ها برای ما قابل قبول است. ما به دنبال روشهای غیر مستقیم هستیم و هیچ پولی هم از آموزش و پرورش نمی‌گیریم چون ندارد که بدهد! من امیدوارم مراکز بیشتری به وجود آیند تا بتوانند چنین حرکت و اقداماتی را انجام بدهند.

دلهم می‌خواست وارد صحنه‌های دیگری هم بشویم که متأسفانه ظاهراً شما دیگر وقت ندارید. از شما متشکرم و امیدوارم در یک فرصت مناسب درباره تئاتر مدارس نیز گفت‌وگویی داشته باشیم. ان شاءالله.

چیز از آن کانسال بگذرد، یعنی حتی حوزه هنری هم نباید به صورت مستقل جشنواره سوره و یا ماه برگزار کند و فقط برای برگزاری آن به ارشاد کمک کند و وزارت ارشاد و مرکز هنرهای نمایشی هم موظف به برپایی آن جشنواره باشد. زیباترین آملی تئاترهای کشور دست سپاه و بسیج است ولی تئاتر شهر پول ندارد صندلیها را درست کند! ابزار در اختیار آنهاست که تخصصشان اجرای تئاتر نیست.

یعنی شما با تئاتر بسیج موافق نیستید؟

چرا ولی می‌گویم باید کانالیزه شود.

به نظر من باید پرسید چرا پایگاههای بسیج با توجه به امکاناتشان تئاتر فعال ندارند؟

اتفاقاً باید فعال باشند و تئاتر داشته باشند. تئاتر بسیج باید فعال باشد ولی کانالیزه شدن آن باید توسط ارشاد انجام شود. زمانی آقای معهود شاهی مسئول مرکز هنرهای نمایشی بود. ایشان چند کمیته نمایشی تشکیل داد و من مسئول کمیته دانش‌آموزی بودم. ما کمیته جنگ و دفاع مقدس، کمیته دانشجویی و... داشتیم. اگر آن طرح خوب اجرا می‌شد واقعاً ایده‌آل بود یعنی تمامی تئاترهای بسیج زیر نظر نماینده تام‌الاختیار در مرکز هنرهای نمایشی اجرا می‌شد و این یعنی کانالیزه شدن. باید یک نفر متولی این جشنواره‌ها و کارها باشد تا آنها را حمایت و هدایت کند و مثلاً فلان کار خوب بسیج را بیاورد و در تئاتر شهر به اجرا بگذارد.

چرا تئاتر حرفه‌ای امروز ما با مخاطبش فاصله گرفته است و کاری را که اجرا می‌کنیم کمتر در وحدت جامعه است؟

البته این مشکل امروز ما نیست. ادبیات ما ادبیات صحیحی نیست و بسا مخاطب ارتباط برقرار نمی‌کند در تئاتر ما حرف مردم را نمی‌زنیم. من می‌گویم شاید اخلاقی‌ترین نمایش بین المللی دنیا «اتللو» باشد که اجراهای زیادی هم در همه دنیا داشته، در خود ایران نیز چند اجرا داشته عیبی ندارد، ما می‌توانیم مسائل اخلاقی را با تئاترهایی این چنینی مطرح کنیم ولی چه زمانی حرف خودمان را بزنیم؟ چه موقع حرف خودمان را راحت و قابل فهم بگوییم تا مردم وقتی می‌شنوند و می‌بینند نگویید اینها چه می‌گویند؟! ما همین الان کار مذهبی می‌کنیم، متن تاریخی است ولی کلام اسطوره‌ای است! در همین حوزه هنری به من می‌گویند چون متن تاریخی است باید متن بازنویسی شود و ادبی باشد. می‌گویم من خودم می‌دانم عمداً این طور نوشته‌ام مگر مردم در کوچه و بازار بسا یکدیگر ادبی حرف می‌زنند؟ تئاتر را باید طوری نوشت که با مردم ارتباط برقرار کند. باید تاریخ تحریف نشود ولی کلام که عیب ندارد قابل فهم و راحت باشد. به نظر من یکی از مشکلات ما ادبیات و زبان آثارمان است؛ حتی در ترجمه. مسئله دیگر این است که مردم دوست دارند مسائل و موضوعات مربوط به خودشان را بشنوند برای همین با سیاه‌بازی ارتباط برقرار می‌کنند. عده‌ای می‌گویند چرا از تئاتر لاله‌زار استقبال می‌شود؟ چون تئاتر مردمی است. تئاتر باید بتواند ارتباط برقرار کند. برای آشنایی مردم با سالتهای تئاتر باید تئاتر ما مردمی شود. مردم

مربیان ما حقوق دریافت نمی‌کنند

تئاتر در مدارس تعطیل شده است

ما حدود شش هزار گروه نمایشی در مدارس داشتیم

نمی‌دانم بویچه فرهنگی این مملکت کجا خرج می‌شود